

● کودتای امپریالیستی ترکیه با مقاومت قهرمانانه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم این کشور روبرو خواهد شد!

شرایطی که بورژوازی انحصاری وابسته ترکیه نتوانسته بود با طرق و اشکال دیگر حکومتی جلوی رشد و گسترش جنبش طبقه کارگر و توده های زحمتکش را سد نماید اموری کاملاً محتمل و قابل پیش بینی بود.

احتمال یک کودتای فاشیستی توسط بورژوازی انحصاری وابسته بقیه در صفحه ۱۰

دیکتاتوری فاشیستی - نظامی آخرین حربا بیست که امپریالیسم بورژوازی انحصاری وابسته ترکیه برای حل بحران سیاسی و اقتصادی موجود در ترکیه و سرکوب جنبش طبقه کارگر و خلق های تحت ستم ترکیه بدان متوسل شده است.

کودتای امپریالیستی و برقراری دیکتاتوری - فاشیستی در

با کودتای فاشیستی که توسط ژنرالهای سرسپرد مارتش ترکیه بر رهبری ژنرال "کنان اوران" در با مداد روز جمعه انجام گرفت، دولت سلیمان دمیرل و پارلمان آن کشور و کلیه احزاب و سازمانهای دمکراتیک و توده های منحل اعلام گردید. هیئت پنج نفره نظامی ادارا مور کشور را بعهده گرفت. کودتای نظامی و برقراری

● سرمقاله

بحران قدرت

در هفته های گذشته بحران قدرت بین جناحهای هیئت حاکمه به نقطه بی سابقه ای رسید و برخوردهای بین دو فراقسیون اصلی هیئت حاکمه که تا کنون با نحاء مختلف سعی در پنهان داشتن آن از توده ها شده بود با شدیدترین برخوردها آشکار شد.

سخنرانی بنی صدر در روز ۱۷ شهریور و حمله بی پروای او به حزب جمهوری اسلامی که بدنبال خود ضد حمله حزب و سخنرانی سران آن نظیر بهشتی و رفسنجانی را بدنبال داشت، با وضوح هر چه تمامتر توده های مردم را به تضادهای درونی و بواقعیات ناتوانی هیئت حاکمه آگاه ساخت.

تشدید تضادهای درونی "ارگان سازش" و بحران در "بالائیها" که خود انکاسیون نتیجه اجتناب ناپذیر بحران عمیق اقتصادی، ناتوانی هیئت حاکمه در پاسخگویی به نیازهای توده ها، ورشدرنا رضایتی توده های مردم است، نه یک امر اتفاقی و تصادفی و گذرا بلکه نمودیک بحران زرف است. بحرانی که اکنون هیئت حاکمه را به بن بست کشانده است. دیگر نپند و نصیحت و اندرزهای خیر خواهانه آیت الله خمینی و دعوت از فراقسیونهای بورژوازی متوسط برای کنار آمدن و آشتی با یکدیگر می تواند کاری از پیش بردونمتهدیدهای وی می تواند مانع عملکرد و تشدید تضادهای گردد که بطور عینی و مستقل از شعور و اراده انسانها عمل می کنند. واقعیست اینست که شکاف در "بالائیها" و بحران قدرت به مرحله ای رسیده است که هیئت حاکمه قادر به حکومت کردن نیست، اما این نیز واقعیست است که علیرغم ناتوانی هیئت حاکمه هنوز بقیه در صفحه ۲

● تکردهای جمهوری اسلامی

برای ممنوعیت فعالیت
نیروهای مترقی و انقلابی

اکنون مدتی است که زمامداران جمهوری اسلامی یورش آشکاری را به سازمانها و گروههای انقلابی آغاز کرده اند. هر روز که می گذرد اطلاعات تازه ای از سوی حکام شرع پیرامون ممنوعیت فعالیت گروهها و سازمانهای انقلابی و مبارز صدر می شود. اگر تا چندین پیش رژیم جمهوری اسلامی بخود جرات نمی داد، که علناً و رسماً فعالیت سازمانهای انقلابی را ممنوع اعلام کند، تشدید بحران موجود، ناتوانی و درماندگی هیئت حاکمه، بریدن توده های مردم از آن و بالاخره قدرت گرفتن روز افزون نیروهای مترقی هیئت حاکمه را واداشته است که بیش از پیش ماهیت خود را بر ملا سازد و به شیوه های سرکوب آشکار و نابودی دستاوردهای قیام خونین خلق روی آورد.

بقیه در صفحه ۹

انجمنهای اسلامی با تعیین معیارهای دروغین برای نمایندگان شورا ماهیت ضد کارگری - ضد شورائی خویش را آشکار ساخت.

شوراهای واقعی در میهن مانقش بسیار حساسی بعهده داشته و دارند. این شوراها اکنون عمدتترین شکل توده ها در مبارزات صنفی - سیاسی آنان بشمار میروند.

اینک با نگرشی به شوراها میتوان طیفی از شوراهای زرد تا شوراهای واقعی را تشخیص داد. که این امر خود روشنگر اختلاف سطح مبارزاتی در بین کارگران است. اما آنچه که در مقطع فعلی مرز میان شوراهای واقعی را از شوراهای زرد مشخص میسازد، عمدتاً "ترکیب نمایندگان شورا و از اینرو عملکرد و سیاست حاکم بر آن میباشد. در شوراهائی که نمایندگان مترقی و مبارز و بویژه کمیونیستها حضور دارند، شورا عملکردهای مترقی دارد و آنجنگا که نمایندگان رانما ما افراد ناآگاه به منافع طبقاتی و یا وابسته به منافع ضد کارگری تشکیل میدهند شورا یا کاملاً بقیه در صفحه ۶

تحصن ۱۰ نفر از پاسداران

در مخالفت با اطاعت کورکورانه
در صفحه ۱۲

● رهنمود نوبری برای حفظ و تحکیم وابستگی

در صفحه ۱۱

● در این شماره:

● گزارشهای روسنائی

● گزارش کارگری

● مردم چه می گویند

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه خلیش

بحران قدرت

بقیه از صفحه ۱

انبوهی از توده‌ها به حاکمیت اعتماد دارند، و هنوز در این امید خرافی بسرمی‌برند که شاید همین حاکمیت به خواسته‌ها و نیازهای آنها پاسخ گوید. این وضعیت استثنائی که البته مکرر در تاریخ رخ داده است. در شرایط جامعه ما بویژه زمانی بجز نگرانی سود که بعثت و بزرگیهای اقتصادی، ملی، فرهنگی و مذهبی، شاهد جدا شدن و بریدن قطعی بخشهایی از توده‌های مردم (بویژه در میان خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن، بلوچ...) و در همان حال اعتمادی چون و چرا برای بخشهای دیگری از توده‌های مردم نسبت به حاکمیت هستیم. با این وجود تحولات اخیر و تشدید برخوردها و بحران درونی هیئت حاکمه نشان می‌دهد، که حل بحران نیازمند نیروهای دیگریست باید ببینیم که چرا بحران قدرت یک چنین ابعادی یافته است و بر اساس کدام زمینه‌های عینی این بحران مدام رشد می‌کند. عمق یابی و گسترش بحران اقتصادی، تشدید مبارزه طبقاتی، ناتوانی فراکسیونهای حاکم در حل بحران و رشد روزافزون نارضایتی و سرعت یافتن روند جدائی توده‌ها از حاکمیت، زمینه‌های عینی تشدید بحران قدرت است. بحران اقتصادی که مدام هیئت حاکمه را به پرتگاه سقوط اجتناب ناپذیر نزدیک می‌کند، بزرگترین گرفتاری حاکمیت است. این بحران که از عمق و زرفق‌های گندیدگی سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران ناشی شده و بصورت پدیده‌ای مزمن درآمده است به آسانی قابل حل نیست. این بحران در شرایطی بر اقتصاد جامعه ما سایه افکنده است که تمامی سیستم سرمایه‌داری جهانی بایک بحران عظیم و مزمن دست به گریبان است. ساخت وابسته جامعه ما که عملکردهای آن وابسته به مکانیسم‌های سیستم جهانی سرمایه‌داریست، به بحران اقتصادی ابعاد بی نظیری بخشیده است. در چنین شرایطی ناتوانی بورژوازی متوسط و تضادهای درونی هیئت حاکمه با رهم باین بحران دامن زده است، اقتصاد در حالت رکود در جامیزند، صنایع وابسته در حالت تعطیل و نیمه تعطیل است، حتی آن صنایعی که با صدور مجدد سرمایه امپریالیستی و دریافت قطعات پیش ساخته، یدکی و مواد خام مشغول بکار شده‌اند در ظرفیتی بسیار پائین تولید می‌کنند. نه تنها در سطح صنایع بلکه بطور کلی سیستم اقتصادی از هم گسیخته است. این بحران اقتصادی توده‌ها را با فقر فزاینده‌ای روبرو ساخته است. انبوهی از کارگران که در دوران رونق نسبی سیستم سرمایه‌داری وابسته بکارهای متعدد و از جمله در رشت، هراوه ساختمان، خدمات و غیره مشغول بکار بودند با بروز این بحران بیکار شده و همچنان در ارتش بیکاران بسرمی‌برند. خانواده‌های این کارگران و دیگر زحمتکشان در چنین شرایطی زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و فقر زندگی آنها را به نابودی تهدید می‌کند. افزایش بی‌پایی قیمت‌ها و گرانی کالاهای مورد نیاز زحمتکشان آنها را از ابتدائی ترین نیازها محروم کرده است. همه صاحب‌ان گرانی و بیکاریست. تمامی بار این بحران بر دوش زحمتکشان

قرار دارد. در چنین شرایطی مبارزه طبقاتی با سرعت و شدت اوج می‌گیرد و تشدید می‌شود. نارضایتی در میان توده‌ها افزایش می‌یابد و در همین جاست که هیئت حاکمه دچار بحران و تضاد لاینحل شده است. جناحهای بورژوازی متوسط که در عمل ناتوانی خود را به اثبات رسانده‌اند هر یک در پی آنست که دیگری را مسئول نابسامانی اوضاع اقتصادی و سیاسی و نیز فقر و فلاکت توده‌ها معرفی کند. هر یک از آنها از مردم می‌خواهند که به آنها کمک کنند تا با در اختیار گرفتن تمامی قدرت در راه رفع این بحران و مصائب توده‌ها بکوشند. این حقیقتی است که هیچیک از این دو فراکسیون در فکر توده‌ها و مشکلات و بدبختی‌های آنها نیست. هر دو، تنها در پی نجات سیستم سرمایه‌داری‌اند.

این هر دو جناح از رشد مبارزات توده‌ها و اوردیکالیزه شدن جنبش به هراس افتاده‌اند و هر یک بتحوی می‌کوشد، مبارزات توده‌ها را سد کند. بنی صدر از جناح لیبرال‌ها با مانورهای زیرکانه خود به مردم متوسل می‌شود. او بحران اقتصادی و سیاسی را بگردن حزب جمهوری اسلامی و سازمان‌های وابسته بدان می‌اندازد. از خط‌سری شیوه‌های حکومتی جمهوری اسلامی که همان‌ها شیوه‌های نوسل به ترور و اختناق، سلب هرگونه آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها و بالنتیجه برقراری دیکتاتوری افسارگسیخته‌ای نظیر دیکتاتوری رژیم شاه است سخن می‌گوید و مردم هشدار میدهد. او بر نقاط ضعف رقیب خود انگشت می‌گذارد تا توده‌ها را بدنبال خود بکشد. بنی صدر بعنوان یک لیبرال، خوب میدانند که چگونه مردم را بفریبند و به دروغ از آزادی‌ها سخن گوید چرا که او نیز همانند حزب جمهوری اسلامی از جنبش توده‌ها هراس دارد، بیمناک است و موجودیت کل سیستم را در خطری بیند.

از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی نیز از اهرم‌های دیگری استفاده می‌کند و سعی در بی اعتبار کردن لیبرال‌ها و شیوه‌های حکومتی آنها دارد. حزب جمهوری اسلامی نیز بتوده‌ها وعده‌های یک جامعه آینده‌آرامی دهد و بآن تکیه بر احساسات مذهبی توده‌ها و نزدیکی به سران سازشکار خرد بورژوازی - سعی می‌کند. توده‌ها را بدنبال خود بکشاند اما پراتیک یکسال و اندی این حزب، توده‌ها را بیش از پیش از آن وعده‌ها و وعیدهای شیرین‌اش دور کرده است. این یک واقعیت است که پس از نطق بنی صدر در ۱۷ شهریور، نفوذ و اعتبار حزب در میان توده‌ها بشدت کاهش یافته، اما در عوض در میان انبوه توده‌های ناآگاه که بین این دو فراکسیون در نوسان بوده‌اند نوعی سمیاتی نسبت به بنی صدر احساس می‌شود. بسیاری از توده‌ها که در زندگی روزمره خود با فشار بحران اقتصادی دست بگریبانند، پس از نطق بنی صدر چنین تصور می‌کنند که برآستی تمام بدبختی‌ها و مصیبت‌های آنها ناشی از کارشکنی و بی‌سیاستی حزب جمهوری اسلامی است. سیاستهای سرکوبگرانه حزب جمهوری اسلامی نیز

عاملی دیگر در سوق دادن توده‌ها بسوی بنی صدر بوده است. بهر حال نباید چنین تصور کرد که هر چه نفوذ بنی صدر در میان مردم بیشتر شود، موقعیت او در حاکمیت مستحکم تر شده است. بالعکس حزب جمهوری اسلامی با تکیه بر اهرمهای قدرتی که اکنون در دست دارد، هر چه بیشتر پایگاه توده‌های خود را از دست می‌دهد، بیش از پیش به ارگانهای اقتدار دولتی پناه می‌برد و موقعیت خود را در بالا مستحکم می‌سازد.

بنی صدر و جناح او اکنون به خط مرز معین‌سی رسیده‌اند که هرگونه عقب نشینی را بمتأیبه‌نابودی سیاسی خود و از دست دادن قدرت دولتی میدانند. آنها در این نقطه، تلاش می‌کنند که ارگانها و نهادهای حساس و نیز پست‌های کلیدی را در اختیار خود بگیرند و با این نقطه‌نگاه حمله درازمدتی را به حزب جمهوری اسلامی تدارک ببینند. بنی صدر با مانورهای اخیر خود هدف دوگانه‌ای را تعقیب کرده است، بدینصورت که یا با این مانورها رقیب خود را به عقب نشینی وادارد یا در حالت شکست و احتمالاً "برکناری"، خود را بعنوان یک آلترناتیو با پایگاه توده‌های دراپوزیسیون قرار دهد و از خود شخصیتی بانفوذ بسازد. چنانچه بنی صدر به هدف نخست خود یعنی عقب نشینی موقتی حزب جمهوری اسلامی موفق شود باز هم تضادهای این دو فراکسیون تشدید شده و بحران قدرت ادامه خواهد یافت، اما اگر لیبرال‌ها در این خط و مرز معین نتوانند حزب جمهوری اسلامی را بعقب نشینی وادار کنند آنگاه حزب بطور قطع تمامی ارگانها و نهادها و بطور کلی حاکمیت را در اختیار خود می‌گیرد. اما در این حالت بحران با وخامت و شدت به مراتب بیشتری ادامه یافته و در نتیجه بافت قدرت سیاسی نمی‌تواند بدون تغییر باقی بماند زیرا هیچیک از این دو فراکسیون قادر بحل زمینه‌های عینی تشدید بحران قدرت نیستند.

با آشکار شدن تضادهای این دو جناح در سطح توده‌های مردم، واقعا "هم که توده‌های ناآگاه، توده‌هایی که از روی عدم آگاهی آمیخته به خوش باوری مفرط به حاکمیت اعتقاد داشتند، بخود آمده و در میان بخشهایی از آنان اکنون این سؤال مطرح شده است که آیا چنین شرایطی رژیم جمهوری اسلامی قادر است بمسائل آنها پاسخ گوید بی جهت نیست که سران سازشکار خرد بورژوازی از اینکه توده‌ها از بحران قدرت آگاه شده و بخشهایی از آنها به ناتوانی رژیم پی برده‌اند بر آشفته شده و از بورژوازی انتقاد می‌کنند که چرا مسائل را در سطح توده‌ها مطرح کرده‌اید؟ و چرا مردم را بدان آگاه نمودید؟ زیرا این آگاهی مردم اعتماد ناآگاهانه آنها را به سران خرد بورژوازی نیز از بین می‌برد. اما آنها درک نمی‌کنند که این میل و اراده این دو جناح اصلی هیئت حاکمه نیست که آنها را به رودرروئی می‌کشاند بلکه شرایط عینی حاکم بر جامعه چنین وضعیتی را به آنها تحمیل نموده است.

بقیه در صفحه ۸

استقلال - کار - مسکن - آزادی



گزارشهای روستائی

کم آبی مشکل عمده کشاورزان مازندران و گیلان



دهقانان روستای " زوار " واقع در دوازده کیلومتری غرب جاده اصلی تنکابن - سنارود ، مدتهاست از کم آبی رنج میبرند .

پس از قیام بهمن ماه ، دهقانان ده " زوار " همچون دیگر دهقانان تحت ستم ایران ، امیدوار بودند گامی در جهت حل مشکلاتشان که مهمترین آن کم آبی است برداشته شود . همچنین آنها خواستار ایجاد در مانگامو برق ولوله کشی آب و دیگر امکانات رفاهی بودند . دولت جمهوری اسلامی - تحت فشار توده های زحمتکش ، به اجرای یک سری برنامه ها و سیاستهای سطحی و اصلاح طلبانه دست زد ، از جمله اعتباری هم برای نصب الکترو پمپ برای دو حلقه چاه که هشت سال قبل اهالی این روستا آنرا احفر کرده بودند ، اختصاص داد اما این اعتبار بموقع به مصرف نرسید و دهقانان باز هم دچار کمبود آب شدند . یار سیدن فصل گرما ، دهقانان که نمیتوانستند بیش از آن منتظر بمانند ، با فشار آوردن بر ادارات بسیاری شهرستان تنکابن توانستند پمپ رانصب کنند اما نصب این پمپ که بموقع صورت نگرفته بود نتوانست مانع وارد آمدن خسارت ناشی از کم آبی به مزارع روستای " زوار " بشود . کم آبی خسارات زیادی به دهقانان زحمتکش وارد آورد ، از جمله مانع شد که دهقانان بتوانند مزارعشان را سمپاشی کنند و این در حالی است که وزیر کشاورزی دولت جمهوری اسلامی در کیهان روز چهارشنبه ۱۸ تیر ماه ۵۹ ، اعلام داشت : " امسال ۳۰٪ افزایش محصول برنج داریم ، روستائیان می پرسند " در حالی که بیشتر زمین های برنجکاران گیلان و مازندران با مشکل بی آبی و افت روبرو بوده این آمارهای محمد رضا شاهي را از کجا به مردم میدهند ؟! بما آقای وزیر کشاورزی بگوئید به شمال بیايند تا پس از مشاهده واقعيات حرف بزنند ، دروغ نگویند ، شايد آقای وزیر کشاورزی برنج آمریکائی و پاکستاني را به آمار اضافه کرده باشد . " این کشاورز میگوید " ما در این منطقه ميتوانيم برنج خوبی بعمل بيارويم بشرط اینکه آب کافی داشته باشيم ، بذر و کود مرغوب در اختیارمان قرار بگیرد ، ماشین آلات و وسایل کشاورزی را به قیمت ارزان بمان بفرشند تا دست واسطه ها کوتاه بشود . "

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

گزارشی از مبارزات دهقانان روستای بزمینان

مبارزات دهقانان " بزمینان " علیه فئودالها همچنان ادامه دارد . همزمان با اوجگیری جنبش انقلابی توده های تحت ستم میهنمان ، دهقانان زحمتکش که سالها یوغ بندگی و بردگی اربابان و مالکان برگردنشان بود ، به تکاپو و جنبش درآمدند تا با در اختیار گرفتن زمین و امور کشت و زرع از جنگ اربابان ، محرومیت و فقر و فاقه و استعمار سالهای متمادی راپایان دهند ، جنبش های پراکنده دهقانی برای گرفتن زمین و بیرون راندن مالکان و اربابها ، در آستانه قیام بهمن ماه رشد و گسترش بیشتری یافت ، از جمله مبارزات دهقانان روستای " بزمینان " که از سال ۵۶ شروع شد . این روستا با ۱۷۰ خانوار و ۱۱۰۰ نفر جمعیت در ۱۱ کیلومتر مربع قرار دارد . در این ره همچون دیگر روستاهای ایران ، دهقانان تهیدست و زحمتکش توسط اربابان و زمینداران شدت استثمار میشدند . دهقانان زجر دیده " بزمینان " که سالها رستم و ظلم مالکان به ستوه آمده بودند ، در مهر ماه سال ۵۶ به همراه جوانان پر شور و آگاه ده ، به زمینهای حاجی عباس قلی خان درویش هجوم

بردند و او را از روستا بیرون کردند دهقانان ، پس از اینکه زمین را از چنگ زمیندار بزرگ ده در آوردند ، با اراده ای مصمم به کشت جمعی پرداختند . مالک ستمگرو زخم خورده که از حرکت انقلابی دهقانان به وحشت افتاده بود ، به کمک سربازان و زاندارمهای حامی خود به روستا برگشت و دهقانان را تهدید کرد که زمین را رها کرده و همچنان به بندگی و مزدوری تن دهند . این مبارزات تا قیام بهمن ماه که مالکان ادامه داشت و از آن تاریخ دهقانان ستم دیده انتظار داشتند که دیگر نشانی از ارباب و مالک در میان نباشد ، انتظار داشتند بتوانند کشت جمعی را ادامه دهند و حاصل دسترنج شبانه روزی شان به کیسه ای اربابان مفت خوار زالوصفت نرود .

دهقانان مبارز روستای " بزمینان " در ادامه مبارزات خود در اواسط فروردین سال ۵۸ موفق شدند ارباب راکه دوباره به روستا بازگشته بود ، با اتحاد و یکپارچگی از ده بیرون کنند . حاجی عباس قلی خان درویش پس از پیروزی قیام بهمن حمایت و پشتیبانی رژیم زمینداران ، برای باز پس گرفتن زمین از دست

دهقانان ، به روستای بزمینان آمد ، البته این بار در معیت و حمایت پاسداران . اما ، دهقانان با اراده و اتحاد در برابر پاسداران مقاومت کردند و دوباره ارباب را از ده بیرون راندند ، پاسداران چند نفر از دهقانان و جوانان ده را بازداشت کرده و با خود بردند دهقانان که از این عمل پاسداران به خشم آمده بودند ، جملگی به شهر رفتند و با تحصن خود توانستند بازداشت شده ها را آزاد کنند .

در خرداد سال ۵۸ اولین محصول کشت جمعی گندم برداشت شد و پول آن بین همه دهقانان تقسیم شد . همچنین به ۳۰ تن از دهقانان نیز زمین داده شد . در این مدت ، ارباب و ایادیش نیز بی کار نبودند ،

توطئه های ارباب و سر سپردگانش علیه دهقانان هر روز آشکارتر می شد . دزدی ، تجاوز ، خرابکاری ، دودستگی و نفاق افکنی ، کار هر روز ارباب و ایادیش در روستا بود . اما دهقانان با کوشش و اتحاد خود توانستند امسال ، محصول کشت دوم خود را نیز جمع آوری کنند .

● اعتراض زنان زحمتکش به کمبود مواد غذایی

زنان زحمتکش روستای حاجی آباد لاهیجان با تجمع در برابر فرمانداری این شهر ، به کمبود مواد غذایی اعتراض کردند . در پی توزیع ماهانه مواد غذایی و دیگر مایحتاج زندگی در میان روستائیان روستای حاجی آباد ، زنان روستایی با حمل تابلوهایی از روستا به طرف فرمانداری لاهیجان راه پیمایی کردند . بر روی این پلاکارد ها نوشته شده بود : بنام خدا . آیا می شود با یک کیلو روغن و نیم کیلو بودر رختشوئی به مدت یکماه و نیم آسپزی و نظافت یک خانواده ده نفری را به عهده گرفت . خواهران روستای حاجی آباد . بنام خدا ! آقای فرماندار با یک کیلو روغن و نیم کیلو بودر رختشوئی می شود در یک خانواده

۱۰ نفری زندگی کرد خواهران روستای حاجی آباد حرکت زنان زحمتکش روستایی مورد حمایت و پشتیبانی مردمی که در مسیر بودند قرار گرفت . یکی از روستائیان می گفت : روستای حاجی آباد حدود ۲۵ خانوار دارد که الان روی مزارع برنج و جای کار میکنند ، برای همین هم هست که همه نتوانستند بیايند و ما را به نمایندگی خودشان فرستاده اند . " یکی دیگر از روستائیان در فرمانداری می گفت : " ما به اینجا آمده ایم تا به فرماندار بگوئیم که چه بی عدالتی در حق ما می شود ، ما در انقلاب شرکت کردیم و رژیم شاه را سرنگون کردیم که وضع ما ن بهتر شود ولی هر روز کمی گذرد و وضع ما بدتر از روز پیش می شود و اگر فرماندار سلطن

است باید بیاید و به وضعیتمان رسیدگی کند . " با تجمع زنان در محل فرمانداری یکی از مسئولان در پاسخ به زنان روستائی گفت که فرماندار نیست و شما می توانید نوشته ای بگذارید تا به او بدیم . اما زنان جواب دادند که دیگر ما گول وعده و وعیدهای شما را نمی خوریم آنقدر اینجا می نشییم تا فرماندار بیاید .

سرانجام بخشداری به جمعی روستائیان آمد و توانست آنها را با وعده و وعید از فرمانداری خارج کند . یکی از زنان روستایی می گفت : " چرا به درد ما نمی رسند ، چرا فقط موقع راه پیمائی ما را میخوانند ، ولی موقعی که نیاز های خود را به آنها میگوئیم گوش به حرفهایمان نمیدهند . "

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

مردم چه می گویند؟

بساط کتابفروشی یکی از هواداران سازمان در خیابان یا دوران، موردیور شپاسداران قرار گرفته بود. مردم ناظر و شاهه جمع شده بودند و در گیسودار مقابل با پاسداران و حمایت از رفیق فروشنده به بحث با یکدیگر و با پاسداران پرداختند. مرد زحمتکشی خطاب به فروشنده نشریات سازمان گفت " اینها که بساط شما را بهم میریزند و شما را ضد انقلاب میگویند، خودشان ضد انقلاب و ضد مردمند، مگر شما چی نوشته اید؟ غیر از مخالفت با سرمایه داران!! ". با دیدن مقواشی که رویش نوشته بود: " با اتحاد و هشیاری خویش، سرمایه - داری این عامل فساد، فقر، گرانی، بیکاری، مشکل مسکن و هزاران مشکل دیگر را نابود کنیم " و توسط رفیق فروشنده بدیوار نصب شده بود، بحثها داغ تر شد، همه از مشکلات زندگی خود و از سیاستهای دولت حرف میزدند، زن زحمتکشی که آثار عمری رنج و زحمت بر چهره اش نقش بسته بود گفت " چند روز است برای خانه گرفتن توی صف می ایستم، یکروز پسرجوانی را که بر رفتار بدیاسداران اعتراض میکرد گرفتند و تا جایی که خواستند کتکش زدند، آخر اون رژیم آنجور مردم را اسیر کرده بود و این دولت هم اینجور، مسکن سرش را بخورد چرا مردم را اینطور میزنند...! ". در همین وقت یکی از پاسدارها گفت " مگر شما برای شکم و خانه انقلاب کرده اید؟ زنی پاسخ داد " نه نکردیم! ولی چرا پولدارها همه چیز داشته باشند و ما نداشته باشیم، اگر انقلاب برای ما گرسنگی و فقر بیشتر آورده چرا آنها از هیچ چیزشان کم نشده، بچهشان بهترین مدرسه را دارند، بهترین غذاها و میوهها را میخورند، در بهترین خانه ها زندگی میکنند... ". یک نفر گفت " هر انقلابی بیکاری و گرانی و گرسنگی دارد، ما داریم مبارزه ضد امپریالیستی میکنیم، شما هم میگوئید گوشت نان، فلان، بهمان... " کارگری که تا بحال ساکت ایستاده بود گفت " آقا چون مبارزه ضد امپریالیستی چه! به این میگویند مبارزه ضد امپریالیستی که دولت همه کارهایش بنفع سرمایه دارها باشد، بعد تازه، درست است که هر انقلابی همراه با مشکلاتی است ولی نه اینکه من نداشته باشم بخورم، توا زسیری ندانسی چکار کنی، اگر فقر هست باید برای همه باشد، اگر گرسنگی هست همه باید شب گرسنه سر به بالش بگذارند... ". زن زحمتکشی دیگری، گویا کسی حرف دلش را زده باشد، گفت " آخر اینهم شد دولت مستضعفین! یا رومیاید قصابی، چندتا ران تازه میزند زیر بغلش و میروند دولی من باید گوشت بیخ زده، آت و اشغال دار برای بچه هایم بخرم، تازه اگر گریم بیاید و خرجی ام برسد... ".

با بالا گرفتن بحث و گفتگویی میان مردم، پاسداران که دیدند حرفهای فریبنده و پوچشان دیگر روی توده های زحمتکش و مستمید اثری ندارد درخواستند رفیق را به کمیته ببرند و جمعیت را متفرق کنند که با زهم با مقاومت آنها رو برو شدند و سرانجام از اینکار منصرف شدند اما یکی از پاسداران بمردم گفت " شما انقلاب کرده اید، از این کمونیستها طرفداری نکنید، زنی با خشم گفت " انقلاب کردیم که مردم مدایشان را ببرند، حرف هم که زندید با آنها مهر خدا انقلاب بزنند؟! انقلاب کردیم که این نوشته ها (با اشاره به نشریات و کتابهای پاره شده سازمان) که غیر از دشمنی با سرمایه داران از چیز دیگری نمی نویسند با این روز میفتند؟ "

مواضع ما درباره "اقلیت" و "اکثریت"

مبارزه طبقاتی روبه گسترش است، پرولتاریای جوان ایران می رود که صف مستقل و حزب انقلابی و جنگنده طبقه خود را تشکیل دهد. او جگیری مبارزه طبقاتی درون جامعه بی شک نمود خود را در سازمانها و احزاب نشان می دهد، همچنانکه در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سازمانی که در سالهای سیاه اختناق و دیکتاتوری پرچم جنبش نوین کمونیستی را بردوش داشت - راه نیروهای سازشکار و راه نیروهای انقلابی از یکدیگر جدا شده و اپورتونیستهای "کمیته مرکزی" با گرویدن به مشی رفرمیستی حزب توده و تبلیغ سازش طبقاتی به جای مبارزه طبقاتی در پس فریادهای وحدت طلبانه انحلال طلبی خود را اعلام کردند. ما اگر چه از نفوذ عناصر اپورتونیست در "کمیته مرکزی" بسیار متاسف هستیم اما هیچگاه این آموزش داهیانة لنین را از یاد نخواهیم برد که "حتی بهترین نمایندگان دموکراسی خود را به سوگواری بخاطر این اغتشاش فکری، تردید و بی اعتقادی به اصول محدود می سازند، لیکن مارکسیستهای ریشه های طبقاتی این پدیده اجتماعی را جستجو می نمایند."

ایراد به نقطه نظرهای "کار" از مدت ها پیش، قبل از انشعاب "کمیته مرکزی" در بین رفقا بعنوان تشکیلات هوادار اوج می گرفت، کافی است نظری کوتاه به سیاستها و تاکتیکهای "کمیته مرکزی" در این مدت انداخته شود تا بر عمق انحراف در حرکات متناقض، چرخشهای لحظهای، دنباله روی از سیر حوادث و... آشکار شود و اکنون پس از گذشت حدود سه ماه "کمیته مرکزی" تطیل مشخص از حاکمیت و سیاست و برنامه ها و تاکتیک پرولتاریا و تعیین مرحله انقلاب ارائه داده تا شاید بتواند مدتی از برخورد صریح با مسائل حاد و مبرم جنبش طفره رود ولی ما اعتقاد داریم اگر آنها نخواهند موضع خود را در قبال مسائل حاد و مبرم جنبش مشخص کنند جنبش توده ها مواضع و جایگاه آنها را روشن خواهد کرد، همچنانکه تاکنون در مورد مسئله کردستان، میزگرد وحدت، مذاکره با بهشتی و... چنین بوده است.

ما، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، معتقدیم که نقطه نظرات و بنیان ایدئولوژیک رفقای معروف به "اقلیت" که در بین توده ها مطرح شده با تمام کمی و کاستیهایش منطبق بر مشی پرولتاری بود و مواضع آنها را مورد حمایت قرار دادیم و در افشای اپورتونیستهای "کمیته مرکزی" درنگ نکرده، همچنان در کنار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مبارزه در راه رهایی زحمتکشان ادامه خواهیم داد.

برافراشته بساط پرچم مبارزه ایدئولوژیک
دراعتزاز بساط پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر
تا بود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - نیشابور
مرداد ماه ۵۹

اطلاعیه

هممیهنان مبارز، دانش آموزان و معلمان آگاه انقلابی همانطور که اطلاع دارید پیشگام دورود که در برگیرنده پیشگامهای دانش آموزی و معلمی دورود می باشد مواضع اقلیت سازمانی را بمناب مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برسمیت می شناسد.

در این رابطه هواداران اکثریت سعی بر آن دارند که با دامن زدن به بحث های انحرافی و با دروغ پردازی و اتهامات نادرست، آذهان عمومی را نسبت به ما مقشوش گردانند و آنرا دستاویزی برای پیشبرد خط مشی رفرمیستی خود قرار دهند. و از مبارزه ایدئولوژیک - حول مسائل حاد و مبرم جنبش جلوگیری نمایند.

- پیشگام دورود از کلیه نیروهای پیشگام می خواهد که:
- ۱- با جلوگیری از بحثهای انحرافی و با رعایت منانت انقلابی مبارزه ایدئولوژیک فعالی را حول مسائل حاد و مبرم جنبش سازمان دهند.
 - ۲- در بین توده های زحمتکش رفته و مواضع سازمان را تبلیغ نمایند و برای آنان مرز بین دشمنان و دوستان خلق را روشن نمایند.
 - ۳- با تکتیک و توزیع انتشارات سازمان در جهت ارتقاء مبارزات خدامپریالیست - دمکراتیک خلقها بکوشند.

تا بود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی.

دانش آموزان و معلمان "پیشگام دورود"
۵۹/۴/۱۱

با تکیه به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

انجمن‌های اسلامی با تعیین معیارهای دروغین برای نمایندگان شورا، ماهیت ضدکارگری - ضدشورایی خویش را آشکار ساخت.

بقیه از صفحه ۱

فعالی ندارد. بدین ترتیب است که در تعدادی از کارخانه‌ها شاهدیم که شوراهای، سنگردفاع از منافع کارگران و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک بوده و کمابیش به نظارت بر تولید پرداخته و حتی در موارد و شرایط خاصی کنترل تولید را بدست گرفته‌اند، اینگونه شوراهادارای پشتوانه توده‌ای وسیعی میباشند، و در بعضی دیگر کارخانه‌ها که شوراهای زرد وجود دارد یا بر ضد منافع کارگران در کنار مدیریت قرار دارند و یا عملاً هیچ‌کساره هستند که در این حالت شورا غالباً هیچ‌گونه پایگاه توده‌ای نداشته، کارگران نسبت به آن بی تفاوت هستند و در جرات گوناگون به مبارزه برای تغییر و تحول شورا میپردازند.

می بیند و به همین دلیل در مقابل شوراهای ساکت ننشسته و نمینشیند سیاستهای حاکمیت در برابر شوراها به دو دوره جداگانه تقسیم می شود. در دوره اول بورژوازی با تمام توان کوشید شوراهارا نابود سازد، ولی ادامه بحران در جلوه و اعتلای جنبش توده‌ها این سیاست را با شکست مواجه ساخت. در دوره دوم که هم اکنون نیز ادامه دارد بورژوازی ضمن اینکه ناچار است شورا را تحمل نماید، حداکثر تلاش را بکار میبرد تا با خالی کردن محتوای انقلابی شورا و "قانونی کردن آن" (قانون مصوبه شورای انقلاب) آنها را به نهادهائی حتی المقدور بی خطر در چهارچوب مناسبات سرمایه داری تبدیل کند. اما از آنجاکه حضور کارگران مبارز و کمونیست‌ها میتواند سرعت شورا را در جهت منافع و خواسته‌های کارگران سوق دهد، پس بورژوازی میکوشد به طرق مختلف از ورود نمایندگان مترقی به همین شوراهای "قانونی"

نیز جلوگیری نماید. حزب جمهوری اسلامی بعنوان مجری این سیاست بورژوائی محسوب میگردد. بدین ترتیب که حزب از یک طرف عوامفریبانه به تبلیغ شوراهای اسلامی میپردازد - البته مفهوم مورد نظر حزب از شورای اسلامی همان مفهوم بورژوائی آن یعنی فقط مشارکت در مدیریت و حداکثر دنبال کننده ظاهری منافع صنفی زحمتکشان در چهارچوب همین مناسبات میباشد - و از طرف دیگر همواره با شوراهای واقعی زحمتکشان و بخصوص نمایندگان مترقی شوراها با عناوینی نظیر غیراسلامی، غیرمکتبی و غیره مخالفت و دشمنی میورزد. انجمنهای اسلامی با وجود عدم تجانس و انسجام از آنجا که زائده حزب جمهوری اسلامی وزیر نفوذ آن قرار دارند، این سیاست حزب را در کارخانه‌ها و غیره پیش میبرند. انجمنهای اسلامی با

وجود تضادهایی که با مدیریت دارند، ولی تقریباً همیشه در مقابل شوراهای واقعی در کنار مدیریت قرار گرفته‌اند. سیاست‌های غالب بر انجمنها بیشترین کوشش را برای اخراج نمایندگان واقعی کارگران از شورا و حتی کارخانه‌ها از طریق بی‌عملی می آورد. آنها میکوشند با دروغ پردازی، نهمتهای بیشترمانه و... توده کارگران را از نمایندگان مترقی جدا نمایند، کارگران ناآگاه و عناصر وابسته را علیه نمایندگان بسیج میکنند و در مواردی با طرح مسئله انحلال شورای واقعی و تشکیل شورای اسلامی به مقابله با نمایندگان مترقی میپردازند. انجمنهای اسلامی فقط شوراهایی را قبول دارند که بجای حرکت در جهت خواسته‌های کارگران تماماً تحت نفوذ آنان قرار گیرند. فقط به شرط زیر نفوذ قرار گرفتن و پیشبردن سیاست‌های ضد کارگری انجمن اسلامی است، که

شورا اسلامی میشود! پیرو همین سیاست انجمنهای اسلامی معیارهایی را برای نماینده شدن توصیه میکنند که هیچ نزدیکی عینی با منافع کارگران نداشته و عمده ترین هدف از این گونه معیارها جلوگیری از نماینده شدن کارگران آگاه در شوراها بوسیله چماق تکفیر و یا هر چیز دیگری میباشد. ما در اینجا بعنوان نمونه اطلاعیانجمن اسلامی کارخانجات مهملات سازی را در مورد شورا و عمدتاً معیارهای گزینش نمایندگان را مورد بررسی قرار میدهیم. در اطلاعیه مذکور ابتدا انجمن اسلامی دید ضد کارگری خود را از شورا چنین بیان میدارد: "اگر شورا در موسسات و کارخانجات تشکیل میگردد، برای اینست که امور مربوط به رفاه کارکنان و نظارت بر اجرای امور را تا آنجا که اسلام میگوید و مطابق بقیه در صفحه ۷

قسمتهائی از اعلامیه پشتیبانی هواداران در نهان

انعکاس رشد و تشدید مبارزه طبقاتی موجود در جامعه، سرانجام در سازمان ما نیز در هیئت دوجریان با بینشهای متضاد، که یکی مبتنی بر مشی انقلابی و دیگری بر مشی اپورتونیسیم در زمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی بر مبنای "اکثریت - کمیته مرکزی" استوار بود، در اجتناب ناپذیر بودن جدایی این دو جریان خود را آشکار ساخته و منجر به جدایی شد. اپورتونیسیم حاکم بر "اکثریت کمیته مرکزی" که در گذشته نیز علیرغم استتار و پوشیده نگه داشتنش، بطور کلی خود را در دنباله روی از جنبش توده‌ها و اتحاد مواضع

از واقعه‌ای تا واقعه‌ای دیگر و حادثه‌ای تا حادثه‌ای دیگر و بطور مشخص در طرح شعار انحرافی "حاکمیت خلق"، در نامه پشتیبانی از مواضع ضد امپریالیستی!! بازرگان، زیر سؤال قرار دادن جنبش خلقها و خصوصاً "جنبش مقاومت خلق کرد" و اخیراً نیز نفی جنبش عادلانه خلق کرد و حمایت بی قید و شرط از خرده بورژوازی حاکم!! آنچنان آشکار است، که هر کس که اطلاعی هر چند جزئی از الفبای مارکسیسم داشته باشد، قادر به تشخیص آن میباشد... آری، تضاد "اقلیت" و "اکثریت کمیته مرکزی" نه بر محور قبول یا رد بینش گذشته (که کمیته مرکزی سعی میکند با

گرد و غبار راه انداختن حول آن، مواضع راست روانه، خود را از چشم هواداران صدیق و انقلابی پنهان کند) بلکه بر سر پاسخ صریح و روشن دادن به مبرمترین مسائل جنبش از قبیل استراتژی و تاکتیک انقلاب، خط و برنامه انقلاب، رهبری طبقه کارگر بر جنبش توده‌ای، مسئله خلقها و بطور کلی شرکت آگاهانه در جنبش توده‌ای و در راس همه آنها پاسخ دادن به مسئله اساسی انقلاب یعنی "قدرت حاکمه" است. ما باید به توده‌ها بگوئیم که قدرت واقعی در دست کیست... ما هواداران "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" در نهان و در ضمن اظهار تاسف از

در غلطیدن "اکثریت کمیته مرکزی" به مواضع راست روانه و افتادن به سر ازیری سقوط رفرمیسم "حزب توده" حرکت انقلابی "اقلیت" درون - سازمانی را در راستای زدودن پیرایه‌های ضد کارگری و غیر مارکسیستی در جنبش کارگری و کمونیستی ایران ارزیابی نمود و مواضع حرکتی به پیش میدانیم. ما با پشتیبانی و حمایت از جناح انقلابی سازمان، "اقلیت" سازمانی را به مثابه تنها جریانی که به آرمانهای کارگران و زحمتکشان وفادار می باشد بر رسمیت شناخته و در طرفداری از اپورتونیسیم کمیته مرکزی از هیچ کوششی باز نخواهیم ماند... در اینجا برای اطلاع

همشهریان مبارز لازم به توضیح میدانیم که از این پس نشریات و اعلامیه‌های سازمان همچنان تحت نام و آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و اعلامیه‌های هواداران - نهان و تندبا امضای هواداران - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - نهان و منتشر خواهد شد. برافراشته با دپرچم مبارزه ایدئولوژیک وحدت بخش جنبش کمونیستی هواداران "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" نهان و ۲۲ مرداد ۵۹

تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

● انجمن های اسلامی با ...

بقیه از صفحه ۶

با خواسته های نظام جمهوری اسلامی (بخوان سرمایه داری) باشد، بعهده بگیرد. حال تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل، که آیا از شورای مورد نظر آقایان چیزی جز ارگانی در خدمت مدیریت می تواند بیرون آید؟! البته این دید ضد کارگری در جاهای دیگر اطلاعی نیز آمده که به آن نمی پردازیم و ضوابط تطبیق را از دید انجمن اسلامی مورد بحث قرار میدهم.

انجمن اسلامی برای نماینده معیارهایی چون "ایمان، توکل بخدا، اجتناب از آلودگی و فساد، تسلط بر قوای عصبیه، پذیرفتن حکومت اللهدوریا فتن نظم و حساب، نماز، انفاق و انتقام کشیدن از سلطه گران می شمارد.

بایک نگاه سطحی به ضوابط ذکر شده می بینیم که بسیاری از آنها اعتقادات مذهبی و در حقیقت امر خصوصی هر فرد میباشد. عبارات دیگر اینگونه معیارها هیچگونه نقش تعیین کننده در مبارزات اجتماعی کارگران در راه خواسته های عادلانه شان ندارند. کارگران بعنوان یک طبقه دارای شرایط یکسانی در تولید اجتماعی میباشند. این اساسی ترین شرایط مشترک، طبقه کارگر دارای یک خواست واحد تاریخی، یعنی نابودی استثمار و برانداختن سرمایه داری گردماست. بورژوازی نیز که خوب میدانند حیانتش در گرونا آگاهی و پراکندگی صفوف کارگران میباشد، حداکثر تلاش را برای جلوگیری از آگاهی و وحدت طبقه میداند همیشه نمیتواند با اعمال قهر کارگران را تحت سلطه مکه دارد سعی می نماید تا با تقسیم بندی های غیر واقعی چون کارگران مذهبی، کارگران غیر مذهبی و ... کارگران را از اتحاد بایکدیگر باز داشته و چند صبا حی بیشتر به حیانتش ادامه دهد.

حال وقتیکه بیش از نیمی از معیارهای نماینده از نظر انجمن اسلامی اعتقادات هر شخص تشکیل میدهد، آیا این همان سیاست بورژوازی برای تفرقه در بین کارگران و جدا کردن کارگران انقلابی و بویژه کمونیستها از میان آنان نیست؟ سیاستی که تاکنون هر کارگر مبارز و آگاهی را بعنوان مختلف مورد تهاجم قرار داده است. لیکن کارگران و دیگر زحمتکشان به تدریج دریافته

اند که اینگونه معیارها نقشی اساسی در مبارزات آنان نداشته است. بسیاری از آنان بطور عینی پی برده اند که کمونیستها آگاه ترین و پیگیرترین مدافع و دنبال کننده منافع راستین طبقه کارگر میباشند.

انجمن اسلامی معیارهای دیگری چون "اجتناب از آلودگی و فساد" و "انتقام کشیدن از سلطه گران" را برای نماینده مدنظر میگیرد اما از آنجا که منافع کارگران را در نظر ندارد، بطور خیلی مبهم و کلی از آن سخن میگوید تا جای هرگونه تفسیری بر جای بماند و تاکنون نیز در عمل، دیدی که از سلطه گرو فاسد داشته با منافع کارگران در تضاد بوده است. انجمن اسلامی نمیگوید که "فاسد و آلوده" کیست و "سلطه گران" کدامند و خوب میدانند که اگر این اصطلاحات را بکار نبردند در به عوام فریبی نخواهد بود. انجمن اسلامی حتی کلماتی هم از مقابل کارگران علیه سرمایه داران صحبت نمی کند، با استفاده از واژه "سلطه گران" می خواهد "شورا" که در مقابل و بر علیه "سرمایه" است از مبارزه بر علیه سرمایه داران وابسته داخلی منحرف کند.

ولی کارگران و دیگر زحمتکشان میدانند که "سلطه گران" همان امپریالیستها و سرمایه داران وابسته هستند که با تحت سلطه نگهداشتن توده ها از طریق دستجات مسلح سرکوب چون ارتش، پلیس و ... شیره کار و جانشان را امکید و به قیمت استخر آنها زنده هستند. آنان علاوه بر داشتن معیارهای اخلاقی برای "فاسد و آلوده" بخوبی میدانند که با معیارهای طبقاتی باید "فاسد و آلوده" را مشخص ساخت. بسیاری از زحمتکشان با پوست و گوشتشان لمس کرده و دریافته اند که سرمایه داران و عواملشان چون ساواکیها، ضد اطلاعاتیها، مدیران سرسپرده و ... تا مغز استخوان "فاسد و آلوده" هستند. کسانی که به قیمت استثمار آنها غرق در زندگی کثیف بورژوازی بودند میباشند. انجمن اسلامی از این معیارهای عینی هیچ حرفی نمیزند. در اطلاعی مفصل انجمن اسلامی حتی یک کلمه از اساسی ترین معیارهای واقعی یک نماینده یعنی حرکت بی وقفه در جهت منافع زحمتکشان و ... سخنی

بمیان نمی آید. آری هنگامیکه عوامل آگاه و نا آگاه بورژوازی به انتخاب ضوابط برای نمایندگان زحمتکشان بپردازند، همواره مسائل اساسی را فراموش کرده و یا مبهم میکنند و در عوض تا بینهایت معیارهای غیر واقعی بجای آن می نشانند. جالب است که انجمن اسلامی در پایان اطلاعی میگوید که اگر کارگران معیارهای انجمن را در نظر نگرفتند نمایندگان واقعی خود را انتخاب نمایند، شورا مورد حمایت انجمن نبوده و در مقابل آن خواهد ایستاد و در پایان نیز برای آنکه دید خود را از یک شورا غیر اسلامی و غیر واقعی! مشخص نماید، از شورایی نام میبرد که واقعی بوده و مورد حمایت و پشتیبانی کارگران است. مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان چه قبل و چه بعد از

قیام آگاهی و تجارب زیادی برایشان به ارمغان آورده است. آنان دیگر به آسانی فریب بورژوازی و عواملش را نخورده و نخواهند داد. زحمتکشان تا آنجا که بتوانند شورا های واقعی خویش را حفظ کرده و در جهت تبدیل شورا های زرد به واقعی هر چه بیشتر میکوشند. بسیاری از کارگران دریافته اند و توده کارگران نیز هر روز بیشتر در می یابند که معیارهای نماینده شورا چه باید باشد. آنان خوب میدانند که عناصر سرسپرده رژیم پیشین چون ساواکیها، ضد اطلاعاتیها، مدیران سرسپرده و عوامل کارفرما ... هیچگاه نمیتوانند نمایندگان واقعی آنها در پیگیری خواسته های شان باشند. زحمتکشان کسانی را به نمایندگی خویش بر میگزینند که در عمل یعنی در مبارزات صنفی - سیاسی

آنان بیشترین شرکت را کرده باشد، با آگاهی و نامفراز استخوان با امپریالیسم و پایگاه داخلی یعنی سرمایه داران دشمنی داشته باشند، همواره در جهت منافع و خواسته های شان سازش ناپذیر بکوشند، از میان خودشان برخاسته و در درونج آنها را حس کرده و هیچگاه ارتباط خود را با توده ها قطع ننمایند و ... کارگران آگاه و مبارز در انتخاب نمایندگان اینگونه معیارهای واقعی و عینی را در نظر دارند. آنان این آگاهی را بمیان هم زنجیران نشان میبرند تا برای حفظ دستاوردهای قیام هر چه بیشتر در تشکلهای واقعی خویش فشرده تر شده و در مقابل موج سرکوبگرانه حاکمیت ایستادگی کنند و دیری نخواهد پاید که سیل خروشان توده ها به سوی امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته را خاک خواهد مالید.

نماینده واقعی کیست؟

امروزه شورا های واقعی در میهن مانع تعیین کننده ای دارند، وجود نمایندگان واقعی در شورا، آنگاه سنگر مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان در راه کسب خواسته های برحقشان و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی تبدیل می نماید.

کارگران آگاه و مبارز

اکنون کار گزینش نمایندگان دوره جدید بزودی آغاز میشود. ما کارگران و زحمتکشان با تلاش در جهت تحقق خواسته های واقعی خود اساسی ترین معیار نماینده شدن را برگزینیم. شورای قبلی نتوانست در جهت خواسته های واقعی ما کامهای جدی برسد. دلیل این امر وجود تعدادی نماینده غیر واقعی و عدم ارتباط شورا با کارگران بوده است. بنابراین وظیفه تک تک ماست که آگاهانه با انتخاب نماینده واقعی خویش به ایجاد شورایی واقعی بپردازیم.

نماینده واقعی باید:

- ۱- از عوامل وابسته به رژیم سابق نبوده و هیچگونه همکاری با نهادهای ضد مردمی چون ساواک و اداره حفاظت نداشته باشد.
- ۲- در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها شرکت داشته و همواره در جهت نابودی امپریالیسم گام بردارد.
- ۳- در مبارزات صنفی - سیاسی کارگران شرکت فعال کرده باشد.
- ۴- از مدیران و روسای قسمت ها و سرپرستان کارگاه نباشد.
- ۵- به تمام مسائل و مشکلات کارگران آگاهی داشته باشد.
- ۶- در جهت برآورده ساختن خواسته های کارگران فعالانه بکوشد.
- ۷- ارتباط نزدیک و دائمی با کارگران داشته باشد.
- ۸- بطور مرتب گزارش فعالیت خود را به کارگران داده و در جریان نظرات آنان قرار گیرد.
- ۹- همواره منافع عمومی کارگران را بر منافع فردی ترجیح داده و با هیچ ارگانی علیه آنان سازش نکند.

تنها با انتخاب نمایندگان واقعی، شورا حامی منافع کارگران گشته

و به سنگر مبارزه ضد امپریالیستی تبدیل می گردد

کارگران پیشرو تعمیرگاه دو طبقه - شهریور ۵۹

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است، پرداخت باید گردد

بحران قدرت

بقیماز صفحه ۲

● میعادگاه

هلا! میدان خونباران
هلا! میدان نام آور
هلا! بستان گلکاران شهرپور
هلا! دریای زاله

جنگل خونسرو و خونلا له
طیثگاه نبرد ما

هلا! میدان خونگاران
بیهل، تا بردم فردا!!!

هلا! دین بین غو
- گشتزار تندرو توفان -

هلا! ای سرزمین زردهای سرخ
سرود آتش انگیزان -

هلا! تیماج سرخ تیرباران ها
اوبین

میدان تیرچیتگر
میدان دانشگاه

هلا! ای گنبد سوزان
هلا! ای کوره آتشفشان
ای یگس آبادان

هلا! باغ سنج
باغ سقر
باغ خون، بوکان

هلا! ای قارنا
ای قریه کشتار

هلا! ای کوهساران بلند پایداری
سنگرستان های خون آلود کردستان

طیثگاه نبرد ما
هلا! گشتارگاه غلغل خون
دشت خونخیزان

بیهل، تا بردم فردا!!!

هلا! ای هرگجا که خون بیداران فروزانی
هلا! ای هرگجا که خون مردم لاله رویانی
بولیوی
اسره

شیلی
هزاران سنگر خونین در آفریقا
هلا! ای هرزمان، هرجا
گذشته

حال
آینده
طیثگاه نبرد ما

بیهل تا بردم فردا!!!

بیهل تا بردم فردا
بیهل تا در زمان دیگری
با پرچمی از خون و از خورشید
فراز آسیم وهم در آ خرین پیگار
نظام کهنه گشتار تاریخی براندازم
و در میعادگاه سرخ زخم پینه بردستان
سرود سرخ "انترناسیونال" خوانیم و
طرحی نو در اندازیم.

امنیّت برای سرمایه است. بگردش در آوردن چرخ تولید و نجات سیستم سرمایه داری و تقویت موضع سرمایه داران و زمینداران است، آزادخواهیش نیز فریب توده ها است شکوه او از تعدد مراکز قدرت، تلاش در جهت سیستم تیز کردن و تحت نظم در آوردن تمامی نیروهای سرکوب تحت یک فرماندهی واحد علیه توده ها است. شعار شورای اونیوز فریب توده ها است. چه شد بنی صدر که تا دیروز شعار "شورا بی شورا" را می داد یکباره بیا دشورا و حاکمیت توده ها افتاد؟ هدف او، در این زمینه نیز علم کردن شوراهای "مشورتی" در برابر انجمنهای اسلامی حزب جمهوری اسلامی است. او تنها برای دفاع از لیبرالها که بعد از تهاجم اخیر حزب جمهوری اسلامی، در موضوع بسیار ضعیفی قرار گرفته اند، بطور موقت از "شورای مشورتی" سخن می گوید و الا بنی صدر همان بنی صدر گذشته است و نمی تواند بنده توده ها و حاکمیت آنها ایمان داشته باشد. چنین است وضعیت حاکم و موقعیت هر یک از فزاکسیونهای بورژوازی ضد انقلابی چهره درون و چهره بیرون قدرت دولتی. اکنون توده ها آگاهی شونده و هر روز پیش از پیش از حاکمیت جدایی کردند. وظیفه همه نیروهای انقلابی است که با منتهای توان و انرژی خود، در رادشکل و آگاهی توده ها گام بردارند. باید در هر کجا که هست لحظه ای را از دست ندهیم و توده ها را حول سازمان های انقلابی متشکل سازیم، باید حداکثر استفاده را از تضادهای موجود در جهت تشکیل ورهبری طبقه کارگر و در جهت رهائی قطعی جامعه از سلطه امپریالیسم ورهائی توده های تحت ستم از بندگی و استثمار بنائیم. جنبش انقلابی ایران در انجام این وظیفه خود با دشمنی روبروست که هر لحظه برای قبضه قدرت سیاسی دندان تیز کرده است این خطر از سوی بختیارها، اوبسی ها، پالیزیان ها... با حمایت همه جانبه امپریالیسم است آنها که هر چه امروز در قدرت سیاسی سهم نیستند اما یکی از خطرناکترین دشمنان خلق اند، باید با تمام قوا در جهت مبارزه با آنها و افشا آنها تلاش کنیم و ماهیت ضد انقلابی آنها را بتوده ها توضیح دهیم. وضعیت بحرانی موجود، وظایفی خطیر بردوش جنبش انقلابی و پیش از همه جنبش کمونیستی ایران قرار داده است. مهمین علت است که نیروهای انقلابی با احساس مسئولیت، تلاشهایی را در جهت همکاری، اتحاد عمل و وحدت در دستور کار خود قرار داده اند. با این وجود همه بخوبی آگاهی وحدت درون جنبش کمونیستی امری نیست که عجولانه بسادگی و بغوریت بدست آید. اما از سوی دیگر نمی توان وضعیت موجود را نادیده گرفت و در انتظار وحدت بسر برده باید لااقل از هم اکنون اتحاد عمل را بطور مشخصی در دستور کار خود قرار دهیم. این امر را نیز نمی توان بیک مسئله محتمل که در دراز مدت قابل حل است تبدیل نمود. باید گامهای عملی برای دست یافتن به هدف برداشت، نه تنها در برابر خطر بورژوازی بزرگ بلکه در مقابل حملات و سرکوبهای هیئت حاکمه کنونی نیز بطور مشخص اتحاد عمل را پیش بریم. در هر کارخانه مزرعه، دبیرستان، دبستان، ادارات، محلات و هر کجای دیگری که در برابر حملات و ویرانه های ضد انقلابی قرار می گیریم، از هم اکنون همکاری و اتحاد عمل را بطور مشخص با نیروهای واقعا انقلابی به پیش بریم. این همکاری و اتحاد عمل مشخص ولو در مسائل کم اهمیت، میتواند سر آغازی برای اتحاد عمل بر سر مسائل بزرگ باشد.

در یک چنین شرایطی از بحران قدرت است که بورژوازی بزرگ و نمایندگان آن با حمایت همه جانبه امپریالیسم دندان تیز کرده و آماده اند تا با استفاده از این موقعیت در لحظه مناسب قدرت سیاسی را به چنگ آورند. ماقبل "در نوشته های خود در رابطه با تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و توانی آن در حل بحران و مسائل مردم، زمینه های عینی تشدید فعالیت ارتجاعی ترین بخش بورژوازی یعنی بورژوازی بزرگ را خاطر نشان ساختیم و گفتیم که امپریالیسم در طی یک مرحله تا سقوط دولت بازرگان اساسا تا کتیک خود را تقویت بورژوازی لیبرال در حاکمیت و از این طریق طی یک پروسه استقرار حاکمیت بورژوازی بزرگ قرار داده بود اما بعلمت رشد مبارزه طبقاتی، تشدید تضادهای درونی ارگان سازش و ناتوانی بورژوازی متوسط در حل بحران اقتصادی و سیاسی، این تا کتیک کار آئی خود را دست داد بنابراین به تا کتیک های دیگر از جمله فشار وحشی کودکان برای استقرار حاکمیت بورژوازی بزرگ متوسل شده است. بنا بر این در شرایط بحرانی کنونی خطری که از سوی مزدوران سرسپردهای نظیر بختیارها، پالیزیان ها، اوبسی ها و دیگران جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها را تهدید می کند، خاطر نشان ساختیم. این خطر امروز با تشدید بحران قدرت، با شدت بیشتری احساس می شود. بنا بر این تنها نیروی که باید واقعا "به مبارزه با این خطر برخیزد جنبش انقلابی ایران است. بحران برای حل خود به نیروهای دیگری نیاز دارد. چنانچه نیروهای انقلابی بعنوان نیروهائی که بالقوه قادر به حل بحرانند، خود را آماده سازند، بورژوازی بزرگ با توجه به قدرت و امکاناتی که امپریالیسم و ارگانها و نهاد های بورژوازی موجود در جامعه در اختیار آنها قرار میدهند برای قبضه قدرت سیاسی وارد عمل می شوند. اکنون وظیفه ای سنگین بردوش نیروهای انقلابی و قبل از همه نیروهای مارکسیست - لنینیست قرار دارد. درست است که جنبش انقلابی ایران دچار پراکندگی و سردرگمی است و اپورتونیسم ضربهای جدی به جنبش کمونیستی و سازمان ما وارد آورده است. اما باید سریعا "این ضعف ها را جبران کرد درست است که جنبش کمونیستی ایران کمساز قیام بارشده فزاینده ای روبرو بوده است، در شرایط فقدان تجربه لازم و در این مدت کوتاه قادر نبوده است گامهای جدی و عملی در جهت رفع ضعف ها و امر وحدت نیروهای انقلابی بردارد. اما نباید لحظات حساس کنونی را سرسری گرفت گذشته از خطر بورژوازی بزرگ همه ما بخوبی آگاهی که چنانچه حزب جمهوری اسلامی بتواند حاکمیت را در دست در اختیار گیرد این حزب سرکوب نیروهای انقلابی (اعم از نیروهای م - ل و نیروهای غیر پرولتری)، نابودی کامل حقوق و آزادیهای سیاسی و تمامی دست آوردهای قیام را نخستین وظیفه خود قرار میدهد. گرچه این حزب قادر نیست به تنهایی و برای مدتی طولانی حکومت کند و بطور سیستماتیک دست به سرکوب بزند اما در کوتاه مدت ضربات جدی به جنبش انقلابی ایران وارد خواهد آورد. لیبرالها نیز هدف حزب جمهوری اسلامی را با شیوه های دیگر دنبال می کنند. آنها به دوغ متوسل شده و از آزادیخواهی دم میزنند و مردم را فریب می دهند. امنیت طلبی بنی صدر،

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

شگردهای جمهوری اسلامی برای ممنوعیت فعالیت نیروهای مترقی و انقلابی

بقیماز صفحه ۱ اگر نادیروز رژیم جمهوری اسلامی از طریق چماق داران و چاقوکشهای حزب اللهی بطور غیررسمی فعالیت علنی سازمانهای انقلابی را ممنوع کرده بود، امروز به این اقدامات خود جنبه رسمی و قانونی نیز می دهد و مقدمات از طریق دادگاه های باصلاح انقلاب و اطلاعیه های حکام سرعت فعالیت این سازمانها را ممنوع می کند، تاسا در آئینده مجلس شورای اسلامی با آسودگی خاطر و بدون اینکه با اشکالات چندانی روبرو باشد، بتواند فعالیت علنی سازمانهای انقلابی را مدام که جمهوری اسلامی برپاست ممنوع اعلام کند. آنچه که یوز در اطلاعیه های حکام شرع جلب توجه می کند در شیوه استدلالات و توجیها ت عوامفریبانه و شناخته شده آنها است. آنها از مبارزه ضد امپریالیستی دم میزنند و بنام مبارزه ضد امپریالیستی نیروهای ضد امپریالیست را سرکوب و فعالیت آنها را ممنوع می کنند، آنها از مبارزه با امپریالیسم آمریکا ورژیم وابسته با امپریالیسم عراق صحبت می کنند، اما فعالیت پیگیرترین نیروهای ضد امپریالیست را در خوزستان و پاره ای شهرهای دیگر ممنوع اعلام می کنند. این شیوه ناقدر رسوا و شناخته شده است که بر هر انسان اندک آگاهی بسادگی روشن می شود که این اقدامات چیزی جز توطئه دشمنان خلق علیه زحمتکشان و سازمانهای انقلابی نیست. برای توده های زحمتکش میهن ما این سوال مطرح

میشود که چگونه هیئت حاکمه بخاطر مبارزه با امپریالیسم فعالیت سازمانهای انقلابی و پیش از همه کمونیستها این دشمنان آشتی ناپذیر امپریالیسم را ممنوع اعلام می کند؟ آنها بسادگی پی می برند که این استدلال یک شیادی، عوامفریبی و دروغ پردازی محض است. چگونه ممکن است که برای مبارزه با امپریالیسم نقشه نا بودی و ممنوعیت فعالیت سازمانهای انقلابی را کشید؟ پس مسئله چیز دیگریست. رژیم جمهوری اسلامی در جهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و دفاع از منافع سرمایه داران این دشمنان طبقه کارگر و دیگر توده های زحمتکش فعالیت سازمانهای انقلابی را ممنوع اعلام میکند از همین روست که همه دست اندر کاران جمهوری اسلامی دشمنی خود را نسبت به کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی آشکارا بیان میدارند. و همراه با حملات گروه های فالتز حزب اللهی و سپاه پاسداران، دادگاههای باصلاح انقلاب هم اطلاعیه صادر میکنند و فعالیتهای سیاسی را ممنوع اعلام می نمایند.

انقلابی است اما اشتباه اساسی آقای خلخالی که می خواهد یک روز فداثیان و مجاهدین را پاکسازی کند در اینست که نمی فهمد فداثیان خلق یک گروه محدود و بدون پایگاه توده ای نیستند بلکه وسیعاً در میان توده های مردم پایگاه دارند. در گذشته دوران رژیم سر سپرده هومز دور شاه، علیرغم این که فداثیان هنوز نتوانسته بودند در میان مردم پایگاه محکمی بدست آورند، رژیم با تمام یال و کویا لشروتمای نیروهای سرکوب خود نتوانست فداثی را پاکسازی کند و مبارزه قهرمانانه رفقای ما علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه، فداثی را سبیل مبارزه ساخت اما امروز جناب خلخالی در فکر نابودی توده های فداثی است. دشمنی هیئت حاکمه را با کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی، به بارزترین وجه در برنامه رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی می بینیم. او هنوز کابینه خود را تشکیل نداده است که در سر لوجه برنامه های خود قلع و قمع کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی را قرار داده است. او بخاطر عوامفریبی هنگام ارائه برنامه خود در مجلس معیار دوستی و دشمنی را نزدیکی و دوری با اسلام معرفی می کند. در حالی که اگر بخواهیم گفتار او را از عوامفریبی های دیبیلما تیکش تهی سازیم با این نتیجه می رسیم که معیار دوستان و دشمنان آقای رجائی و جمهوری اسلامی در

نزدیکی و دوری به سرمایه است. مگر جز اینست که رجائی دشمنان درجه یک خود را کمونیستها یعنی دشمنان سوگند خورده سرمایه داری و امپریالیسم میدانند و در برنامه خود نا بودی مسلحانه آنها را در دستور قرار میدهد؟! و تنها بخاطر فریب توده ها است که از نزدیکی و دوری به اسلام حرف می زند. موضع گیری خصمانه رجائی نسبت به کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی در همان حال بیا نگر دشمنی آشکارا نسبت به کارگران و دیگر زحمتکشان میهن ماست. اما خلق قهرمان ایران با توجه به تجارب گذشته خود، هدف جمهوری اسلامی را از ممنوعیت فعالیت سازمانهای انقلابی بخوبی میدانند. آنها شاهد بوده اند و تجربه کرده اند که رژیم شاه برای مقابله با توده های مردم فعالیت سازمانها و گروههای سیاسی را ممنوع اعلام کرد.

رژیم شاه با متلاشی کردن سازمانهای سیاسی و صنفی توده ها، هرگونه آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها را لگدمال کرد. رژیم شاه سرانجام تنها حزب شش سخته رستاخیز را حزب قانونی اعلام نمود و رژیم جمهوری اسلامی امروز فعالیت کمونیستها را ممنوع می کند، فردا ممنوعیت فعالیت دمکراتهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق را در دستور قرار میدهد و روز بعد حزب جمهوری اسلامی را بجای حزب رستاخیز قرار میدهد. زحمتکشان میهن ما تجربه کرده اند که ممنوع فعالیت علنی



خلق قهرمان آذربایجان

در حالیکه یکسال و اندی از قیام بر شکوه خلقمان میگذرد، هیئت حاکمه حقوق دمکراتیک خلقهای ایران را پامال میکند، صدای اعتراض کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان گوشه کنار کشورمان را با کلوله و چماق جواب میدهد. زندانها از انقلابیون پر شده، دست و پاهای ستم خورده می شوند، هیئت حاکمه با تصویب قانون های ضد کارگری از قبیل لغو سود و یوز هر چه بیشتر در خدمت سرمایه داران قرار میگیرد و با این اعمال خود ماهیت بورژوازی خود را بر ملا میسازد. هر روز بنام تصفیه ادارات و کارخانجات و بجای تصفیه عمال رژیم گذشته، کارگران مبارز کارخانه ها از جمله کارخانه تراکتور سازی تبریز توسط هیئت پاکسازی اخراج میشوند. هر روز که میگذرد ما هیئت بورژوازی دولت بر همگان بخصوص برای عناصر صادق و انقلابی آشکارتر میشود. ما شاهد هستیم که در این چند روز گذشته چگونه پاسداران نیروهای انقلابی را تحت بیگرد و فشار قرار داده و از آن جمله میتوان حملات سبعا به حزب اللهی ها و پاسداران را به عنوان مجاهدین خلق در شهر بنام برد. ماضی محکوم کردن این حملات از جانب باصلاح نهاد های مردمی ایکیارد یگرازا پور تو نیستیهای نوپا سوال میکنیم این چگونه خرد بورژوازی است که علیه خرد بورژوازی برخاسته است، در صورتیکه مدام دم از خطر آمریکا زده میشود؟! آیا این بار خواهد گفت خرد بورژوازی سه خصلتی شده (ضد خرد بورژوا)؟ نه آقایان اکثریت ابحرانهای اقتصادی جامعه ما تحلیل های "من در اوردی" شمار ایکی بعد از دیگری نقش بر آب میشوند و توده های زحمتکش بدون توجه به موضع گیریهای سازشکارانه شما به مبارزات خود ادامه میدهند و شما نیز منشویک وار توده ها را از مبارزه منع می نمائید. در حالیکه هر روز مبارزات خلقهای زحمتکش ایران ابعاد تازه تری بخود میگیرد، شما ندای آشتی سرداد و بجای تکیه بر توده های زحمتکش به هیئت حاکمه التماس میکنید تا با اصلاح اجازه فعالیت علنی کسب کنید. ماضی اعلام پشتیبانی از خواسته های بحق کارگران مبارز تراکتور سازی و تاسا می کنند کردن توده های زحمتکش دروغ نوری و بدینگونه دین خود را هر چند اندک نسبت به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران ادا نمائیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگز دگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش درود بر طبقه کارگر - رنهار هیر مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران
درود بر کارگران مبارز کارخانه تراکتور سازی تبریز گسترده تر باد مبارزات نیروهای انقلابی ایران
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) تبریز

بقیه از صفحه ۱

کودتای امپریالیستی ترکیه...

به امپریالیسم از جانب مارکسیست
لنینیست های انقلابی ترکیه بخصوص "ارتش
آزادبخش ترکیه و وحدت مبارزاتی" پیش بینی
شده بود و از ماهها قبل تدارک لازم برای مقابله با
چنین کودتاهائی دیده شده بود. تنها احزاب
اپورتونیستی نظیر حزب کمونیست ترکیه (برادر
تنی حزب نوده در ترکیه) چشم امید به اجویت و حزب
جمهوریت خلق (CUMHURİYET HALK PARTİSİ)
بسته بودند و می پنداشتند که با پشتیبانی از اجویت
و حزب وی (حزب جمهوریت خلق) میتوان به مقابله
با فاشیسم پرداخت و مانع برقراری حکومت فاشیستی
در ترکیه شد. آنها ماهیت حزب جمهوریت خلق را
که حزب بورژوازی انحصاری وابسته بودملی و
دمکراتیک و نمود ساختار به حکومت رسیدن
اجویت سودای خام "دمکراسی مترقی" و گذار
مسالمت آمیز به سوسیالیسم را در سر می پروراندند و
طبقه کارگر را به تبعیت از وی فرامیخواندند.

پشتیبانی بدون قید و شرط حزب کمونیست ترکیه
از حزب جمهوریت خلق در انتخابات پارلمانی
سال ۱۹۷۷ تجلی بارزی از سیاست های اپورتونیستی
این حزب بود. در نتیجه همین سیاست اپورتونیستی
بود که رهبری سندیکا های کارگری (DISK)
در اختیار حزب جمهوریت خلق قرار گرفت. در
همان موقع حزب نوده به روال همیشگی اش در ارگان
تئوریک - سیاسی خود (دنیا) بر این سیاست
حزب کمونیست ترکیه به رهبری اسماعیل بیلین
صحیح گذارد و به تعریف و تمجید از آن پرداخت.

در برابر این سیاست های اپورتونیستی حزب
کمونیست ترکیه، "ارتش آزادبخش ترکیه و وحدت
مبارزاتی" که تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر را در
سر لوحه برنامه های خویش قرار داده بود با ارائه
تحلیل های مارکسیستی نشان داد که سرمایه داری
انحصاری وابسته در ترکیه مسلط است و بورژوازی
وابسته انحصاری حاکمیت خویش را در تمام
زمینه ها برقرار کرده است و سخن گفتن از بورژوازی
ملی در ترکیه بعنوان متحد طبقه کارگر و نیروی
انقلابی جز فریب نوده ها و طبقه کارگر نیست و حزب
جمهوریت خلق نیز حزب بورژوازی بزرگ انحصاری
می باشد و حمایت از این حزب خیانت به طبقه
کارگر است.

آنها در تحلیل های خود نشان دادند که امروز در
ترکیه یک مشت سرمایه داران بزرگ وابسته نظیر
کوچ، سبانی و غیره... در مشارکت با امپریالیسم
کلیه اهرمهای قدرت سیاسی و اقتصادی را به
انحصار خویش در آورده اند و هر آنکه که منافع
آنان ایجاب کند برای سرکوبی جنبش طبقه کارگر
ونوده های زحمتکش با تکیه بر ارتش و سایر
نیروهای نظامی که تحت نظارت مستشاران
آمریکایی بطرز کاملاً "فاشیستی" سازماندهی شده اند
دیکتاتوری فاشیستی را برقرار خواهند کرد و تنها
راه مقابله با خطر فاشیسم سازماندهی طبقه کارگر
و سایر زحمتکشان و تلاش برای ایجاد جبهه واحد
صد فاشیستی است و به دلخوش کردن و امید بستن
به احزاب بورژوائی و حمایت از آنها.

مارکسیست های انقلابی ترکیه در برابر سیاست
"اتحاد با بورژوازی" اپورتونیستها، سیاست
اتحاد عمل نیروهای انقلابی و اتحاد مبارزه طبقه
کارگر را برگزیدند و این رایگان سیاست صحیح و طریق
درست در جهت گام برداشتن برای ایجاد حزب
انقلابی طبقه کارگر و جبهه واحد صد فاشیستی
اعلام نمودند. و در این راه گامهای ارزنده ای نیز
به پیش برداشتند.

کودتای فاشیستی اخیر در ترکیه بیانگر آنست که
بورژوازی وابسته انحصاری ترکیه و امپریالیسم برای
سرکوب نمودن جنبش طبقه کارگر و نوده های
زحمتکش دیگر قادر نیست از طریق احزاب وابسته
بخود نظیر حزب جمهوریت خلق، حزب عدالت،
حزب رستگاری ملی، حزب جنبش ملی عمل کند.
و ناچار است در مقابل بحران اقتصادی و سیاسی
فزاینده مورد جنبش نوده های به سرکوب آشکار و
تروریستی اقدام نماید.

بورژوازی پس از انتخابات سال ۷۷ تلاش کرد تا
با روی کار آوردن حکومت اجویت و حزب جمهوریت
خلق حزبی که خود را "سوسیال دمکرات می نامد"
نوده های مردم را بفریب دهد و مانع رشد جنبش نوده ای
شود حزب جمهوریت خلق به رهبری اجویت خود
را طرفدار آزادی های سیاسی و نمود میساخت و در
حرف نیز ادعای مبارزه با امپریالیسم آمریکا را داشت
و علیه تحریم فروش سلاح به ترکیه از جانب کنگره
آمریکا جارجنجال برانداخت و برای رفع بحران
ارزی به بازار مشترک متوسل شد و روابط اقتصادی
ترکیه را با شوروی و بلقارستان گسترش داد.

حزب جمهوریت که در انتخابات سال ۷۷ بیش از
نصف کرسی های مجلس را بخود اختصاص داده بود
ابتدا به تنهایی قصد تشکیل دولت را داشت ولی
موفق به گرفتن رای اعتماد از مجلس نگردید و این بار
از ائتلاف حزب عدالت، حزب رستگاری ملی و
حزب جنبش ملی دولت جدید تشکیل شد که آنهم
پس از مدت کوتاهی جای خود را به دولت جدید مرکب
از حزب جمهوریت خلق و دولتی حزب جمهوریت
خلق که ادعای حل بحران سیاسی و اقتصادی و بقول
خودش تنگناها را داشت نتوانست بحران را حل
نماید و سقوط کرد و بجای آن دولت دمیرل تشکیل
شد. اما بار شد فزاینده بحران اقتصادی و سیاسی و
گسترش جنبش طبقه کارگر و جنبش نوده های اینک
بورژوازی ترکیه و امپریالیسم تنها راه را در انجام
کودتای نظامی و برقراری دیکتاتوری فاشیستی -
نظامی و سرکوب همه آزادیها و حقوق دمکراتیک
مردم (ولودر حد بورژوائی آن) تسخیر داده اند
و ارتش ضد خلقی ترکیه که بطرز کاملاً "فاشیستی" و
وابسته به امپریالیسم سازماندهی شده -
مطمئن ترین ابزار ارگان اجرای چنین توطئه های است.
آنچه که مسلم است در شرایط کنونی بحران حاکم
بر سیستم سرمایه داری جهانی و بحران اقتصادی

سیاسی حاکم بر ترکیه و صف آرائی نیروهای
طبقاتی، این دیکتاتوری فاشیستی - نظامی نیز قادر
به سرکوب و فرونشاندن موج توفنده مبارزات طبقه
کارگر و نوده های زحمتکش ترکیه نمیشد و انقلابیون
و مارکسیست - لنینیست های ترکیه با تکیه بر
تجربیات غنی مبارزاتی و با تجربه یکده در شرایط
دیکتاتوری فاشیستی سالهای ۷۱ بدست آوردند راه و
روش و اشکال مناسب سازماندهی و شعارها را در پیش
خواهند گرفت و تاکتیک های صحیح مبتنی بر شرایط
مشخص ترکیه را بکار خواهند گرفت. آنچه برای ما از
تجربه کودتای فاشیستی نظامی ترکیه آموزنده است،
و باید جنبش کمونیستی از آن درس بگیرد. این است که
بورژوازی و امپریالیسم برای مقابله با جنبش نوده ای
و حل بحران سیاسی و اقتصادی به تاکتیک های
مختلفی متوسل می شوند. بویژه در اینجالاتم است

توجه "کمیته مرکزی" اپورتونیست را به این مسئله
مهم جلب کنیم که برخلاف ادعای آنان توطئه کودتای
از جانب امپریالیسم علیه حکومت های بورژوائی،
دلیل بر ماهیت خلقی و انقلابی این حکومت ها نبوده
و نمیباشد و آنها بیهوده تلاش می کنند با انگشت
گذاردن بر توطئه کودتای توسط امپریالیسم آمریکا و
محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران و زمینداران
بزرگ، آب تظہیر بر سر حاکمیت کنونی در ایران
ریخته و ماهیت آن را دگرگون جلوه داد و خلقی و
انقلابی معرفی کنند.

خیر آقایان! امپریالیسم نه تنها در ایران که قدرت
دولتی در اختیار بورژوازی متوسط است بطرح و اجرای
توطئه کودتای برای برقراری سلطه سیاسی مجسود
بورژوازی بزرگ وابسته و سلطه کامل امپریالیسم
تلاش خواهد کرد بلکه حتی در کشورهای نظیر ترکیه که
سلطه بورژوازی وابسته انحصاری برقرار است توطئه
کودتای طرح می کند و به اجرا نیز درمی آورد تا بتواند
جنبش نوده های را سرکوب نموده و بحران سیاسی را
حل نماید.

شاید هم به اعتقاد "کمیته مرکزی" دولت دمیرل
نیز خلقی و انقلابی بود که امپریالیسم برای سرنگون
ساختن آن به کودتای متوسل شده است. البته
اپورتونیست های حزب کمونیست ترکیه تلاش
کردند ماهیت حزب جمهوریت خلق را دگرگون جلوه
دهند و مردم را بفریبند ولی آنها نیز در مورد دولت
دمیرل چنین اظهار نظرهایی نکردند و ناممکن است
"کمیته مرکزی" از آنها هم فراتر رفته و چنین ادعائی
داشته باشد. چون این "معضل" با شیوه استدلالی
که آنها برای توجیه نظریات اپورتونیستی شان در
پیش گرفته اند قابل توضیح نیست.

یا شاید هم بگویند امریکامشاعر خود را از دست
داده است که علیه منافع خود یعنی علیه حکومت
بورژوائی در ترکیه کودتای کند. چون هنگامی که ما
مطرح می کنیم قدرت دولتی در ایران در اختیار
بورژوازی متوسط قرار گرفته و این حکومت از مناسبات
سرمایه داری وابسته دفاع کرده و به بازسازی آن مشغول
است و در همان حال، امپریالیسم محافل وابسته به
بورژوازی بزرگ علیان طرح کودتای می ریزند، آنها
مطرح می کنند مگر امریکامشاعر خود را از دست داده -
است که علیه این حکومت که از مناسبات سرمایه داری
وابسته دفاع می نماید دسیسه چینی کند.

خیر فقائین امپریالیسم نیست که مشاعر خود را
از دست داده است بلکه این شما اپورتونیست ها هستید
که "مشاعر" خود را از دست داده اید و به سنت های
انقلابی پشت کرده اید و برای توجیه نظریات
اپورتونیستی و تسلیم طلبانه تان به چنین
دستاویزهایی متوسل میشوید.

البته شرایط مبارزه طبقاتی در ایران پیچیده تر
است و تفاوت های چشمگیری با شرایط ترکیه دارد و
قصد ما مقایسه ساده کودتای ترکیه و طرح کودتای ایران
نمیباشد. تنها میخواهیم نشان دهیم که توطئه کودتای
توسط امپریالیسم دلیلی بر ماهیت انقلابی و خلقی
حکومت هائی که علیه آنها توطئه صورت می گیرد
نیست و اگر "کمیته مرکزی" چشمان خود را بر تجربه
کودتای امپریالیستی در کشورهای آمریکا، لاتین،
آفریقا و آسیای جنوب شرقی بسته است، لااقل نیم
نگاهی به تجربه این کشور همسایه که چندان دور هم
نیست بینا کند و اینقدر جارجنجال راه نیاندازد و
با این قبیل استدلالات که مگر امریکامشاعر خود را از
دست داده که علیه حکومت بورژوائی کنونی در ایران
دسیسه چینی کند، در خلقی و انقلابی جلوه دادند
حاکمیت کنونی تلاش نکند.

اما ما میدانیم که اپورتونیست های بنا به ماهیت شان
از تاریخ و تجربیات غنی آن هیچ نمی آموزند پس بگذار
توده ها از تاریخ بیاموزند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران

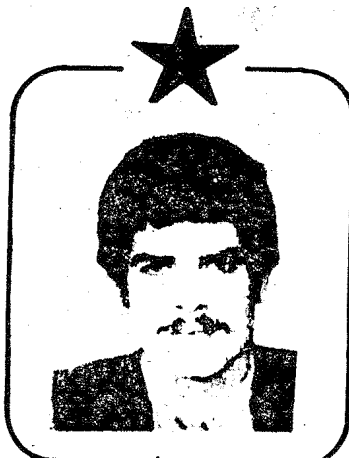
● رهنمود نوبری

برای حفظ و تحکیم وابستگی

برداشت ویژه است (بخوان دلار) اگر ترکیه جزو اقامت امپریالیسم جهانی است، اگر این شرکتها اکثر آمریکا و یا ظاهراً متعلق به ترکیه باشند، اگر ارزش مورد پرداخت حق برداشت ویژه است (پولی که ۳۳ درصد آن متعلق به آمریکا و ۶۵ درصد کل آن متعلق به ۵ کشور بزرگ امپریالیستی است) آیا توصیه آقای نوبری چیزی بجز رهنمود برای حفظ و تحکیم وابستگی می باشد.

انجام دهند. این خبر در بسیاری از روزنامهها درج نشد. اما به هر حال تلویزیون مسئله را عنوان کرد. هیچ نیروی مبارز و ضد امپریالیستی نمی تواند ترکیه را بعنوان یک کشور مستقل از امپریالیسم در نظر بگیرد. تجارت خارجی با ترکیه (بخوان شرکت های اروپائی و آمریکائی مقیم در ترکیه) تا حدود بسیار زیادی مسئله تحریم اقتصادی و پوچی آنرا نشان می دهد. ارزش مورد پرداخت این تجارت، حق

در اخبار چهارشنبه ۵۹/۶/۱۲ برنامۀ شبکه دوم سیما جمهوری اسلامی، خبری از کنفرانس رؤسای بانکهای مرکزی کشورهای اسلامی ارائه شد. آقای نوبری رئیس بانک مرکزی ایران به نامی شرکت کنندگان در کنفرانس رهنمود داده بود که از "ایران و ترکیه یاد بگیرند". نوبری گفته بود که حجم تجارت ایران و ترکیه نسبت به سال گذشته برابر شده است و کشورهای اسلامی باید از این قبیل تشریک مساعی هاز یاد



ترور فدائی
خلق رفیق
حسن صالحی
توسط سپاه
پاسداران رشت

داشت. در طول قیام او به همراه سایر همزمانش در حمله به مراکز سرکوب رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، شرکت فعال داشت. رفیق در کسب آگاهی بیشتر و انتقال آن به زحمتکشان تلاش های ارزنده ای میکرد و همین امر موجب دشمنی پاسداران با وی شد. پاسداران بارها به خانهاش یورش بردند تا او را دستگیر و یا ترور کنند، اما هر بار مردم زحمتکش محل او را پناه می دادند.

هیئت حاکمه در ادامه سیاست ها و حرکات ضد دموکراتیک و ضد انقلابی خود، ترور انقلابیون را نیز در پیش گرفته است. با ترور جنایتکارانه رفیق حسن صالحی فرزند راستین خلق توسط پاسداران جمهوری اسلامی، ماهیت حاکمیت بیش از پیش در برابر توده ها آشکار شد، ماهیتی که تاکنون خود را با سرکوب خلق کرد و ترکمن، سرکوب دهقانان و حمایت از سرمایه داران و زمینداران نیز نشان داده و میدهد.

در پی ترور رفیق حسن صالحی توسط پاسداران، مردم محل تشییع جنازه ای برای او برگزار کردند و قصد داشتند جسد او را در گورستان شهر دفن کنند. اما امام جمع رشت، با تعطیل نماز جمعه گروهی از مردم را تحریک کرد که به گورستان بروند و از دفن جسد حسن صالحی جلوگیری بعمل آورند. عده ای به سردمداری فالانژها و اوپاش و عناصر مرتجع وابسته به حزب جمهوری اسلامی و در حمایت پاسداران به گورستان هجوم بردند و با چوب و چماق و پرتاب سنگ مراسم تشییع جنازه و کفن و دفن را به هم ریختند، هراس مرتجعین از آگاهی توده ها و کینه دشمنی شان با نیروهای آگاه و مبارز بقدری است که به شهادت شخصی که حاضر و ناظر در جریانات گورستان رشت بوده، فالانژها با چوب و چماق بر سر جسد رفیق حسن صالحی ریخته و تن بی جان او را به زیر دست و لگد گرفتند. زهی بی شرمی! در پی تهاجمات وحشیانه چماقداران و تحریکات امام جمع رشت، خانواده رفیق بیچاره جسد او را در جای دیگری دفن کردند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه گیلان در رابطه با ترور رفیق حسن صالحی توسط پاسداران، پیامی فرستاد، متن پیام را می خوانید

بعد از ظهر روز پنجشنبه سیزدهم شهریور، فدائی خلق، رفیق حسن صالحی در محله صمدیه رشت با رگبار مسلسل پاسداران ترور شد. رفیق کنار خیابان ایستاده بود که یک پیکان با چهار پاسدار مسلح در مقابلش توقف کرد و بلافاصله او را به رگبار بستند. در آغاز گلوله های به پای او اصابت کرد و گلوله های نیز به دست رفیق دیگری نشست، پاسداران از تومبیل پیاده شدند و به بالای سر رفیق حسن که روی زمین افتاده بود رفتند و از فاصله یک قدمی دوبار او را به رگبار بستند رفیق فدائی، این هوادار راستین آرمان زحمتکشان و کارگران بلافاصله شهید شد مردم محل در پی این جنایت وحشیانه به کوچه ریختند و خشمگینانه به پاسداران حمله کردند بطوری که تومبیل آنها متلاشی شد اما پاسداران در پناه ۳ تومبیل شلیک های هوائی توانستند خود را از معرض خشم و کینه هالی نجات داده و بگریزند رفیق حسن صالحی در خانواده ای زحمتکش متولد شد. حسن فقر و سیه روزی را با تمام وجود لمس کرده بود، عشق عمیق به زحمتکشان و کینه و خشمی توفنده به سرمایه داران و زمینداران و دشمنان زحمتکشان

(پیام)

مناسبت ترور جنایتکارانه فدائی خلق رفیق حسن صالحی

این رسم توسط که ایستاده بمیری



مردم مبارز گیلان!
بار دیگر فدائیان خلق هدیه دیگری به جنبش کارگری سپیدان تقدیم داشت. رفیق فدائی خلق حسن صالحی انقلابی راستین و جان برکف هدف رگبار دشمنان خلق قرار گرفت. برخلاف تهمات اپورتونیستها و انقلابیون واقعی این ترور جنایتکارانه را غیر عادی ندانستند. چراکه اصالت سرکوبگرانه رژیم از همان ابتدا ای حاکمیت خود مدعی جز این را تعقیب کرده است. اما سازشکاران همیشه چشمان خود را بر روی واقعات مبارزه طبقاتی می بندند.
جنایت پاسداران مزدور جمهوری اسلامی از بعد از قیام برای زحمتکشان سپیدان و بهشایش آنان فدائیان خلقی و سایر نیروهای انقلابی بارها بارها به اثبات رسیده است. اما خون سرخ فدائی همانگونه که در دوران دیکتاتوری افسارگسیخته رژیم شاه طعمه آزادی کارگران و زحمتکشان را نهد میداد. اکنون نیز با رشد آگاهی توده ها، سازمان ما به گمراهی در جهت وحدت جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق در تلاش است و می رود تا در پیوند هر چه صیقل یافته توده ها سرود آزادی را بر لبان کارگران و زحمتکشان جاری سازد و نافرین مرگ دشمنان خلق را بنوازد.
فدائیان خلق در دوران پر تلاطم مبارزاتی خود، شاهد تشرب و فزاینده شکست و بهرینجهای فراوانی بوده اند و به گواه زحمتکشان هیچگاه بهریم خونیشان فرود نیامد. حسن یکی از پرچمداران فدائیان خلق بود که با شهادتش ستاره ای دیگر بر آسمان خونین جنبش کمونیستی ایران بر جای نهاد. یادش گرامی و خاطره اش جاودان باد.
درد و حسرت و تمام شهادت، بهمن گفته خلق
سرافراشته تر بهاد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
تنگ و نفرت بر تولدش چنان رو دناق افکشان
نابود باد امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امپریالیست و پایگاه داخلی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه گیلان
۱۶ شهریور ماه ۵۹

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

● تحصن ۸۰ نفر از پاسداران در مخالفت با اطاعت کورکورانه

خلاصه کنیم، متحصنین که چند روز بود نظیر این صحبتها را از دیگر مسئولان سپاه نیز شنیده بودند، وقتی به آن نگذاردند، نیروها تیکه برای سرکوب تحصن تحت پوشش جلوگیری از برخورد های احتمالی، به نجات آمده بودند اکنون که دیگر به زمینه مناسب برای رسیدن به هدفشان دست یافته بودند، با لگدمال کردن خواسته های متحصنین، تجا و زرا آغاز کرده و ۸۰ نفر متحصن را بازداشت کردند.

بازداشت متحصنین، بار دیگر اثبات نمود که قوانین حاکم بر سپاه پاسداران همان قوانین مسلط بر تمام ارگانهای مسلح بورژوازیست و اثبات نمود که سپاه پاسداران چون در خدمت نظم خواهی بورژوازی است. هر چند که ترکیب غالب نیروهای آن از توده های زحمتکش باشد. نمیتوانند در درون خود نیز خارج از سیستم ضوابط بورژوازی حرکت کنند. حال بگذاریم بورژوازیست راست هر چه میخواهد یا مسرائی کند. انگلس چقدر درست می گفت که:

"دولت قبل از هر چیز متکی بر دستهای از افراد مسلح است با انضمام زوائدی شامل زندانها و بازداشتگاهها ..."

ندارد".

بدنبال این واقعه در یادگان توحید (قسمتی از کمیته عملیات سپاه) حدود ۷۰-۶۰ نفر در حمایت از متحصنین تهدید به استعفا کردند.

تحصن سه روز ادامه داشت. در روز چهارم شهر یور قضیه حساسی بالا گرفته بود. برای جلوگیری از باصلاح برخورد های احتمالی! از طرف مرکز سپاه تعدادی پاسدار با اتوبوس جلوی در مستقر شدند و پیام دادن به متحصنین را آغاز کردند تا به زمینه مناسب برای رسیدن به هدفشان دست یابند.

آنها می گفتند موضوع تحصن و اختلافاتی که در سپاه است نباید به بیرون درز کند چون "امام" تاکید بر وحدت دارند و از این قبیل مسائل باعث تضعیف انقلاب و تقویت نیروهای ضد انقلاب می شود! و بدنبال آن مسامحه تکرار می کردند که دست از تحصن بردارید.

این تاریخ اندیشان نمی توانند بفهمند که: "تضعیف انقلاب" مدتهاست با تمام رسیده است و انقلاب شکست خورده است.

آنها نمی توانند درک کنند که واقعیات رانمی توان پنهان کرد. اینگونه مسائل برای توده ها پنهان نخواهد ماند.

روز دوم شهر یور در سپاه پاسداران، بخش پذیرش، جنب و جوش فوق العاده ای وجود داشت دست اندر کاران هر یک بطرفی میدویدند. همه در فکر این بودند که خبر به بیرون درز نکند. ولی واقعیات را نمیتوان پنهان داشت.

۸۰ نفر از پاسداران بخش پذیرش در اعتراض به انتصاب "گاوسی" بعنوان سرپرست بخش و معاونت سپاه تهران دست به تحصن زدند آنها می گفتند: "سپاه باید شورایی اداره شود. انتصابی اصلا درست نیست. تازه کسی که قبل از انقلاب در آمریکا دور از مردم و دور از انقلاب بوده چطور می تواند انقلابی باشد؟"

آنها که جزو پاسدارانی هستند که ماهیت حرکات ضد انقلابی سپاه در این مدت کم برایشان روشن شده است، ضمن اعتراض به انتصابات موجود در سپاه می گفتند:

بنی صدر می آید "رضایی" را منصوب می کند (فرمانده سپاه). رضایی هم می آید گاوسی را "آمریکائی" را منصوب می نماید. به جبروتی هم میگوئیم بیضا صحبت کنیم، بیغام میدهد: "تحصن را بشکنید فایده های

گرامی باد خاطره مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی

نفی موضع گیری قلبی خودتوانست اشتباه خود را جبران کند.

اکنون جناحهای مختلف هیئت حاکمه که به توده های مردم خیانت کرده اند تلاش دارند تا با تحلیل از شخصیت انقلابی او، در میان توده ها برای خودیابگانهی کسب کنند اما آنها بدرک نمیکند که آیت الله طالقانی بخاطر زندگی مبارزاتی و شرکتش در جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای میهمان از محبوسیتی خاص در میان توده های مردم برخوردار بود. گرچه آیت الله طالقانی در اوایل عمر خود، در یکی از نطقهایش، در مورد نیروهای انقلابی که در کردستان در کنار خلق کردیمارزه با سرکوبگران پرداخته بودند مرتکب اشتباه شد و آنها را مورد حمله قرار داد اما در آخرین نطق خود، با تعدیل و تا حدی

یکسال از درگذشت مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی گذشته

آیت الله طالقانی در زمره مبارزینی بود که سالها مبارزه ای حسنگی تا بد سر علیه امپریالیسم ورزیم دیکناتوریلوی برداخته و بعنوان یک دمکرات انقلابی، با مبارزه حسنگی با پذیرش از محبوسیتی خاص در میان توده های مردم برخوردار بود. گرچه آیت الله طالقانی در اوایل عمر خود، در یکی از نطقهایش، در مورد نیروهای انقلابی که در کردستان در کنار خلق کردیمارزه با سرکوبگران پرداخته بودند مرتکب اشتباه شد و آنها را مورد حمله قرار داد اما در آخرین نطق خود، با تعدیل و تا حدی

خبرهای کوتاه از کردستان

● در درگیری شدیدی که هیجدهم شهر یور در راه سردشت بین یک ستون ارتشی و پیشمرگان کرد روی داد و در فریق فدائی بنام های کاک قاسم معروفی و کاک ابوبکر آرمات، یک پیشمرگ دمکرات و چهار پیشمرگ کومله شهید شدند. در این درگیری تلفات سنگینی به ستون ارتش وارد آمد و تریلی هیجده جرخ حامل مهمات، دو تانک و ۲۸ خودروی نظامی منهدم شد، دو هلیکوپتر سرنگون شد، سیزده نفر از ارتشیان به گروگان گرفته شدند - یک مسلسل کالیبر ۵۰ و یک آر پی جی ۷ نیز مصادره شده است - میزان کشته ها و زخمی های ارتشی حدود سیصد نفر تخمین زده میشود.

در درگیری های اخیر، فانتوم ها و هلیکوپترهای ارتش جمهوری اسلامی دهکده های دارساون - بنا و یله بزرگ - هند او - برسیوه - موکل آباد - بیکش - هورازه - قواندوکو خان رابا بمب ناپالم و خمپاره زیر آتش گرفتند. در این حمله ها گذشته برویرانی خانه ها تعداد زیادی از مردمان روستاها زخمی و یا شهید شدند و بسیاری از خرمن ها آتش گرفت.

رفیق کاک قاسم معروفی از اولین انقلابیون بود که به صف سازمان پیوست، وی اهل بوکان و دارای همسر و یک فرزند است وی پس از انتصاب قاطعانه از دیدگاه های جناح انقلابی سازمان دفاع نمود و جزو اولین کسانی بود که در تجدید سازمانندگی نقش برجسته ای داشت. وی یکی از مسئولین نظامی سازمان در کردستان بود که در تاریخ ۱۸/۶/۵۹ در دهکده دارساون بعلت فرود آمدن خمپاره در سنگرش، همراه رفیق ابوبکر آرمات شهید شد.

● پیشمرگه های فدائی و دمکرات در درگیری با یک ستون ارتشی در (کانی دینار) از روستا های اطراف مریوان، تلفاتی به نیروهای ارتشی وارد آوردند و خود سالم به مقرهایشان بازگشتند.



- بنی صدر (حزب جمهوری اسلامی) را تهدید به افشاء کرد!!
- مردم می پرسند، چرا بنی صدر از این کار خودداری میکند؟
- ما می گوئیم: چون بنی صدر در سرکوب آزادیهای دمکراتیک و خواسته های بحق توده های زحمتکش میهنمان با سران حزب جمهوری اسلامی شریک است.
- بنا بر این: تهدیدات اخیر او بیش از هر چیز برای فریب مردم و جلب توده هایی است که در زندگی روزانه بیش از پیش به حقیقت گفته های نیروهای انقلابی پی برده و اعتماد خود را نسبت به حاکمیت از دست میدهند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۵۹.۶.۲۲

ب الف ۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر